

## پاسخی کوتاه به نوشته رفیق فاروق نقشی

در مورد قطعنامه اخیر پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

رحیم عزیزپور

اخیرا رفیق فاروق نقشی در نوشته ای به قطعنامه پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران در مورد "فراکسیون فعالیت بنام کومه له" پرداخته است ، با توجه به وجود احکام و برداشت های نادرست از این قطعنامه سعی میکنم پاسخ کوتاهی به این نوشته بدهم.

پرداختن به دیدگاهها و روشهای تاکنونی رفقای اقلیت درون حزب کمونیست ایران، بعد از گذشت بیش از 8 سال از طرح موضوع ، علیرغم عدم صراحت و غامض گویی و پیچیدن نظرات راست روانه در قالبهای بعاریت گرفته مارکسیستی و کمونیستی علی القاعده نباید کار دشواری باشد . نقطه شروع این رفقا مخالفت با قالب تشکیلاتی حزب کمونیست ایران بود، هر چند از ابتدای کار با توجه به سابقه تاریخی موضوع و اظهار نظرهای عناصر ظاهرا موثر اقلیت مبنی بر تردید در تئوری های مارکس و رسیدن به جامعه سوسیالیستی، آشکار بود که مشکل نه قالب تشکیلاتی بلکه تجدید نظر در مارکسیسم و نتیجتا دوری جستن از کمونیسم و رویکرد به دیدگاههای ناسیونالیستی و راست روانه بود.

رفیق فاروق در نوشته اش عامدانه تلاش میکند ، فراکسیون و اقلیت تشکیلاتی را یکسان به خواننده القا کنند در صورتیکه این دو مقوله کاملا جداگانه و با حقوق متفاوت میباشند. تا آنجا که به حقوق اقلیت درون سازمانی بر میگردد اساسنامه صریح اعلام میکند:

**" محفوظ بودن حق اقلیت هر سازمان حزبی برای آنکه همه اعضای سازمان را از نظر و اختلافات خود با اکثریت مطلع نماید . "** ( اساسنامه حزب کمونیست ایران- تاکید از من است)

اکثریت تشکیلات این حق را نه تنها از این رفقا سلب نکرده است، بلکه نظرات و دیدگاههای آنها را از طریق رسانه های حزبی به اطلاع جامعه نیز رسانده است و قطعنامه کمیته مرکزی حزب مجددا بر حق این رفقا بعنوان یک اقلیت تشکیلاتی برای اشاعه نظراتشان از طریق رسانه های حزبی تاکید کرده است . در دنیای امروز سخن گفتن از عدم امکان پخش نظرات، بیشتر بیک شوخی شباهت دارد تا ادعای یک انسان جدی، ادعای رفقا حتی مصرف مظلوم نمایی هم ندارد . جا دارد از این رفقا بپرسیم، تاکنون چند مقاله تحلیلی در نقد برنامه و سیاست و تاکتیکهای حزب و تلاش در جهت روشن کردن دیدگاههای خود نوشته اید و یا سد و یا عدم امکان انتشار آنها روبرو شده اید، یقینا نمیتوانید در این زمینه ادعایی داشته باشید ، در نتیجه باید سراغ ناتوانی و غیر جدی بودن و ناشفاف بودن در ارائه نظرات و مضافا ضعیف بودن گرایش شما در حزب و جامعه رفت . اقلیت در این دوره طولانی چند ساله هنوز نتوانسته است دیدگاههای اثباتی خود را در زمینه برنامه، استراتژی سیاسی و مبانی تاکتیکی روشن کند و البته این ناشی از بن بست استراتژیک دیدگاههای سیاسی آنها می باشد. بلکه برای پیشبرد دورنمای سیاسی خود به روشهای منسوخ تشکیلات شکنانه و انحلال طلبانه پناه برده اند ، بیدلیل نیست که ثمره کار فکری این جمع که ادعای پایبندی به متدولوژی مارکس و سوسیالیسم علمی را دارند ، در مدت بیش از 4 سال تنها یک اطلاعیه چند صفحه ای با امضای هفت نفر است .

**چرا فراکسیون پذیرفته نشد ؟**

رفیق فاروق در شکوائیه خود، از کمیته مرکزی حزب سؤال میکند ، براساس کدام بند اساسنامه فراکسیون را نپذیرفتید .این درست است که اساسنامه نه نفیاً و نه اثباتاً چیزی در مورد فراکسیون نگفته است ، منطقی در چنین حالتی کمیته مرکزی حزب که در فاصله دو کنگره مسئولیت هدایت تشکیلات را بعهده دارد موظف است در این باره تصمیم بگیرد . اما از نظر من علیرغم عدم اشاره اساسنامه به مجاز بودن و یا نبودن فراکسیون ، تشکیل فراکسیون بر اساس سنتهای جا افتاده تا کنونی ، در حزب کمونیست بلا مانع است . علی القاعده کسانی فراکسیون تشکیل میدهند که برنامه و اساسنامه حزب را قبول داشته و با بعضی از تاکتیکها و سیاستهای مشخصی با اکثریت اختلاف دارند ، مضافاً با روشهای سالم مبارزه ایدئولوژیک و با استفاده از مکانیسم های تعریف شده و جا افتاده تشکیلاتی تلاش میکنند دیدگاه خود به دیدگاه اکثریت تبدیل کنند . اقلیت انحلال طلب حزب کمونیست ایران، چهارچوب تشکیلات را که بیش از نود درصد اعضای حزب با آن موافق است، قبول ندارند .از منظر اقلیت ،"سوسیالیسمی که در حاکم و کومه له از آن دفاع میشود ، تنها بدرد توجیه موقعیت عده ای معدود و علامت رمزی برای ابراز وفاداری افراد یک جمع نسبت بیکدیگر میدانند" (بیانیه اعلام فراکسیون) بدون اینکه یک جمله در مورد سوسیالیسم خیالی خود که بقول خودشان رسیدن به آن در ایران ممکن نیست گفته باشند . تاکتیکها، سیاست و چشم اندازهای حزب را غیر عینی و نامنطبق بر واقعیت میدانند ، بدون اینکه اشاره ای بدلیل نادرست بودن آنها کرده باشند و تاکتیک ها و سیاستها و چشم اندازهای عینی و منطبق بر واقعیات خود را مطرح کرده باشند، برنامه حزب را قبول ندارند و آنرا در خوشبینانه ترین حالت برنامه ای برای رسیدن بیک سرمایه داری دولتی بنام سوسیالیسم میدانند، بدون اینکه آن سوسیالیسم فرضی خود را که از اندیشه های مارکس نشأت گرفته و به حکومت کارگری و سوسیالیسم ناب منجر میشود، مطرح کرده باشند ،بعید نیست که مخاطبین خود را به آثار مارکس رجوع دهند. اقلیت در این چند سال به نازلترین روش حزبی و سوء استفاده از نارضایتی های تشکیلاتی برای یارگیری متوسل شده است .

پذیرش چنین جمعی بعنوان فراکسیون حزبی، نشانه بی توجهی به جایگاه برنامه و اساسنامه حزبی و استراتژی سوسیالیستی در ایجاد وحدت حزبی است و آشکارا در مغایرت با رعایت حقوق اساسنامه ای اکثریت تشکیلات قرار دارد.

#### مرجع تصمیم گیرنده

رفیق فاروق در ادامه نوشته خود مینویسد، منطقی کنگره کومه له مرجع صلاحیتدارتری برای رسیدگی به مسئله فراکسیون بود. کدام منطق؟ شما که بسیار به کاربست متد علمی و اسناد استناد میکنید لطفاً تنها یک کد بمن معرفی کنید، اگر چنین است چرا شما برای اعلام فراکسیون تان بهمان منطق موهوم تکیه نکردید، و بندی از اساسنامه را برای این کار مورد استناد قرار دادید، لطفاً از صدور احکام بی پایه و پا در هوا دست بردارید. همچنانکه قبلاً اشاره کردم اساسنامه در مورد مجاز بودن یا نبودن فراکسیون چیزی نگفته است، در نتیجه کمیته مرکزی حاکم که در فاصله دو کنگره مسئولیت رهبری و هدایت تشکیلات را بعهده دارد ، تنها مرجع ذیصلاح برای پاسخگویی به این مسئله بود.

اما ادعای رفیق فاروق مبنی بر اینکه آنها یک اقلیت معین در یک سازمان معین یعنی سازمان کردستان حزب هستند. این را تنها میتوان یک انتخاب اختیاری و بی پایه نامید، رفیق فاروق حتما این حقیقت ساده را درک میکند که تشکیلات علنی کومه له در یک جغرافیای معین با تعدادی عضو مستقر است و کمتر از ده نفر از رفقای عضو تشکیلات علنی با اقلیت همراه شده اند، بیش از 17 درصد از نمایندگان کنگره از تشکیلات مخفی بودند و هیچکدام با مباحث و دیدگاه های شما موافق نبودند. هرچند با یقین میتوان گفت که وضع در آنجا بسیار مایوس کننده تر برای گرایش شماست. اگر رفقا میخواستند اقلیتی در تشکیلات علنی اعلام کنند منطقا میبایست تنها از رفقای آن تشکیلات معین تقاضای نامنویسی میکردند و به طریق اولی پشتیبانی پدر خواندگان فراکسیون خود خوانده و جمع آوری طومار ضرورتی نداشت.

### گرایشات درون اکثریت ؟؟؟

رفیق فاروق در نوشته اش تلاش میکند در خلوت خود و دور از دنیای واقعی دست به ابداع گرایشات بزند گویا جماعتی بحث و دیالوگ و انتقاد بر نمی تابند و تصمیم خود را در مورد اقلیت گرفته اند. ابداع رفیق را تنها میتوان در راستای تبلیغات بی حاصل علیه تعدادی از رفقای تشکیلات دانست، بر خلاف ادعای ایشان ما همگی ضمن شناخت و علم به ماهیت اختلافات، طرفدار مبارزه سالم و متمدانه ایدئولوژیک و بحث و تبادل نظر در باره نکات مورد اختلاف در فضایی رفیقانه هستیم، برعکس، رفقای اقلیت همیشه با گریز از بیان نکات اصلی مورد اختلاف از این کار دوری کرده اند. بر خلاف ادعای رفیق اکثریت تشکیلات در مورد ماهیت اختلافات هم نظر هستند. اگر در دور گذشته در انشعاب عبدالله مهدی عده ای با موضعی سانتریستی بهر دلیلی ماندگار شدند، پناه بردن به دیپلماسی و کیسه دوختن رفقا در این دوره کار عبثی بیش نیست.

رفیق فاروق در ادامه نوشته خود بزرگواری فرموده و اظهار میدارند. "ماهنوز بارقه هایی از تعلق خاطر به سوسیالیسم را در شما می بینیم، پافشاری ما بر کار مشترک از همین ناشی شده است".

باید به چنین نکات و استادی در جعل حقایق آفرین گفت. دقیقا بر عکس ادعای غیر واقعی رفیق، ماندن این رفقا نه تنها ربطی به تعلق خاطر ما به سوسیالیسم ندارد، بلکه اسرار ما بر کمونیست بودن و مرز بندی با گرایشات غیرکارگری و ضد کمونیستی باعث رمیدن این رفقا از حزب شده است. دلیل واقعی ماندگار شدن رفقا را باید در بن بست استراتژیک و موقعیت جریانات ناسیونالیستی در منطقه، شکست پروژه های جریان زحمتکشان و تیره و تار شدن دورنمای حمله امریکا به ایران و تکرار پروژه مصیبت بار عراق و عدم استقبال تشکیلات و جامعه از این گرایش، جستجو کرد. و اما من بر خلاف رفیق فاروق حتی بارقه ای از تعلق خاطر به سوسیالیسم و رهایی بشریت از جهنم سرمایه داری درملغمه ای که بنام بیانیه فراکسیون ... منتشر کرده اند نمی بینم. رفیق فاروق اگر در کمونیست بودن خود اصرار دارد باید حساب خود را با کسانی که تمایزی بین پارلمانتاریسم و حکومت شورایی قایل نیستند با کسی که آرزوی زیستن تحت حکومت سرمایه داران با وجدان را برای کارگران دارد و از همه مهمتر با بیانیه ای که در بهترین حالت از چهار چوب استراتژی ناسیونالیستی و افکار نیم بند سوسیال دیموکراتیک فراتر نمی رود، روشن کند.

۲۰۰۸/۹/۲۶